

## بررسی نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران\*

فاطمه مدیری<sup>۱</sup>  
محمدصادق مهدوی<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴

### چکیده

با توجه به تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و حتی ابعاد مختلف یک حوزه، این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤالات است که آیا در جامعه ما ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در نسل‌های مختلف متأثر از دینداری است یا خیر و اگر هست آیا تأثیر آن بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن یکسان است؟ بر این اساس، پیمایش کمی با ابزار پرسشنامه در شهر تهران با ۶۰۰ نمونه که به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، انجام شد. نتایج تحقیق حاکی است: ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن به‌طور یکسان متأثر از دینداری نیست. در هر سه نسل ارزش‌های خانوادگی سنتی متأثر از دینداری بوده، در حالی که تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در هر سه نسل معکوس و ضعیف‌تر بوده، به لحاظ نسلی روند کاهشی داشته و در نسل سوم تأثیر معناداری مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت یافته‌های تحقیق آمیزه‌ای از سه تئوری پابرجایی دین بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی، تئوری تمایز و تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** دینداری، ارزش‌های خانوادگی، تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها، تئوری تمایز، نسل.

۱- استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

**Email:** Sms\_mahdavi@yahoo.com

\*: نویسنده مسئول

\* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی با تأکید بر نقش دینداری (مورد مطالعه: تحلیل نسلی در شهر تهران)" به راهنمایی دکتر محمدصادق مهدوی است که در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران دفاع شده است.

### ۱. مقدمه و بیان مسأله

در جوامع سنتی همواره دین نقش بسزایی در شکل‌گیری ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی داشته و حوزه‌های مختلف اجتماعی با ارزش‌های دینی هدایت می‌شده است. امروزه در برخی جوامع کاهش مشارکت در سازمان‌های مذهبی، تغییرات تدریجی اعتقادات مذهبی، کاهش کارکردهای سنتی کلیسا، تغییر در نظام‌های اعتقادی و افزایش مذهب شخصی به کرات گزارش شده و برخی جامعه‌شناسان معتقدند دین بخش قابل توجهی از تأثیر خود را در بیشتر بخش‌های زندگی اجتماعی از دست داده و مردم در تصمیم‌گیری‌های خود آزادند. براساس تئوری تمایز<sup>۱</sup> که هسته اصلی مدرنیزاسیون را تشکیل می‌دهد، تغییر در یک حوزه، حداقل تا حدودی مستقل از دیگر حوزه‌های اجتماعی است و توابع اصلی اجتماعی و یا حوزه‌های نهادی اصلی جامعه از یکدیگر متفاوت شده و در مجموعه‌های تخصصی و سازمان یافته، در چارچوب نسبتاً خاص و نمادین مستقل، ایفای نقش می‌کنند (هالمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۳۰). به نقل از ایزنشتات<sup>۳</sup>، (۱۹۷۰).

از طرفی بدنبال فرایند مدرنیته و دگرگونی‌های اجتماعی فرهنگی در غرب دگرگونی‌هایی نیز در حوزه خانواده به وجود آمده که موجب تغییرات بنیادین در خانواده گردیده است. این تغییرات موجب شده خانواده که تا قبل از انقلاب صنعتی سبک و سیاق ثابت، ایستا و قابل پیش‌بینی داشت در کشورهای مختلف به لحاظ کمی و کیفی شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد. ارزش‌های سنتی حاکم بر خانواده مبتنی بر اطاعت و فرمانبرداری، اقتدار، سن‌سالاری و جنس‌سالاری در جوامع پیشاصنعتی به ارزش‌های مدرن با برابری جنسیتی، پذیرش تغییر نقش زنان و کودکان، تأکید بر استقلال و خودکفایی در جوامع صنعتی مبدل شده است. گستره این تحولات در تمامی ابعاد و زوایای خانواده به‌ویژه در کشورهای صنعتی به حدی است که نشانه‌های جدی از هم‌پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات انسانی در برخی جوامع ظاهر شده و بر مبنای آن جامعه‌شناسان نظریاتی ارائه کرده‌اند که پیوستاری از تداوم و پایداری خانواده تا مرگ و فروپاشی آن را در برمی‌گیرد. از آنجا که تأثیر مدرنیته در همه جوامع یکسان نیست و در تمام کشورها با سرعت برابر پیش نمی‌رود و از طرف دیگر، وجود همزمانی در تغییرات حوزه دین و خانواده در جوامع مختلف توجه محققین را به ارتباط میان این دو جلب کرده است.

1. Differentiation theory

2. Halman

3. Eisenstadt

در دهه‌های اخیر در جامعه ما نیز که همواره پایبندی به دین و تأثیر دین بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی جزء لاینفک زندگی افراد بوده، تغییرات در حوزه دین و خانواده گزارش شده است. گزینش‌گری در دین، خصوصی شدن دین، کاهش مناسک دینی (آزادارمکی، ۱۳۹۰؛ توسلی، ۱۳۸۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶؛ زین‌آبادی، ۱۳۸۵؛ روحانی، ۱۳۸۸؛ سودانی، ۱۳۸۸؛ موحد، ۱۳۸۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۷) ایجاد تغییرات در دینداری را تأیید کرده‌اند.

همچنین در حوزه خانواده برخی تحقیقات نشان از تغییرات فراوان در ارزش‌های خانوادگی دارد. افزایش میزان طلاق، افزایش خانواده‌های اضطراری، کاهش میزان ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی، کاهش تمایل به فرزندآوری، تغییر در ارتباطات دختران و پسران جوان، روابط جنسی خارج از خانواده، روابط جنسی پیش از ازدواج، کاهش اعتماد بین‌فردی در خانواده، کاهش پرهیزکاری در خانواده، ضعف کارآمدی خانواده، تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها، خانواده‌های تک‌والد، فردگرایی مفرط، کاهش سرمایه اجتماعی در خانواده، همخانگی به‌عنوان شکلی از خانواده، تفاوت نسلی و گاهاً تضاد نسلی از جمله نتایج اعلام شده این تحقیقات می‌باشد (آزادارمکی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۳-۱۲۷؛ آزادارمکی، ۱۳۸۹؛ ۷۹-۷۳؛ آزادارمکی، ۱۳۹۰؛ ۴۳۷ به نقل از گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی‌نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸؛ مهدوی، ۲۰۰۸)

خانواده‌مداری و دین‌مداری همواره جزء لاینفک میراث فرهنگی افراد ایرانی بوده و چنین تغییراتی سؤال‌برانگیز است و جای تأمل دارد. از طرف دیگر غالباً تغییرات در نسل‌های جوان مشاهده شده و نسل‌های پیشین در مقابل آن مقاومت می‌کنند. بنابراین بررسی نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی از اهمیت خاصی برخوردار است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. سؤالات اصلی مقاله این است که آیا ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در سه نسل با دینداری همبستگی معنادار دارد؟ روند نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن چه الگویی را نشان می‌دهد؟

## ۲. مبانی نظری

در رابطه میان دین و ارزش‌های اجتماعی و از جمله ارزش‌های خانوادگی سه رویکرد اساسی به چشم می‌خورد. رویکرد اول نشان می‌دهد تأثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است. در تحقیقات هربرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)

1. Herberg

و لنسکی<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) که بر ایالات متحده امریکا متمرکز است نشان داده‌شده تأثیر مذهب در حوزه‌های دیگر اجتماعی مانند جوامع سنتی برقرار است و ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی توسط ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند. هربرگ از تحقیقات خود نتیجه گرفته که در شرایط کاملاً واضح سکولار در بسیاری از کشورها، آمریکایی‌ها فکر می‌کنند، احساس و عمل می‌کنند که نوع احساس، فکر و عمل ایشان متأثر از ارزش‌های مذهبی است و نشان از احیای گسترده مذهب دارد (هالمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۳۱ به نقل از هربرگ، ۱۹۹۵). لنسکی نیز نشان می‌دهد مذهب در ابعاد مختلف زندگی روزمره زنان و مردان آمریکایی نفوذ فراوان دارد و بر سیستم‌های نهادی جامعه که مشارکت‌های فردی را سبب می‌شود تأثیر دارد (هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از لنسکی، ۱۹۶۱). بنابراین نه تنها فعالیت‌های مذهبی در ایالات متحده کاهش نداشته بلکه در طی قرن گذشته افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز یافته و حتی این نتیجه را محتمل می‌سازد که کل ایده سکولاریزاسیون افسانه‌ای بیش نیست (هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از گریلی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵؛ استارک و ایناکن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲).

رویکرد دوم که بر تئوری تمایز<sup>۵</sup> استوار است معتقد است امروزه دین به‌عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و به نظر می‌رسد دین بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم جهان غرب از دست داده‌است. تأثیر مذهب به‌عنوان یک زیرسیستم در کنار زیرسیستم‌های دیگر کاهش یافته است. سیستم‌های اعتقاد به باورهای مذهبی و موعظه‌های کلیسا که قابل پذیرش اکثریت مردم بوده توسط نظام‌های باور فردی و اعتقادات اجتماعی اخلاقی جایگزین شده و دین، آزاد از کارکردهای اجتماعی سابق خود، به یک موضوع خصوصی تبدیل شده‌است. بر این اساس در جامعه معاصر در جهان‌های مختلف معنا، هر اداره توسط مجموعه‌ای از ارزش‌های خود و نه توسط یک مجموعه واحد منسجم ارزش‌ها هدایت می‌شود و ارزش‌های حاکم بر حوزه‌های مختلف زندگی دیگر نه‌توسط باورهای مذهبی بلکه با عقلانیت خودمختار هدایت می‌شوند

---

1. Lenski

2. Halman

3. Greely

4. Stark & Iannaconne

5. Differentiation theory

(مانچ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۴۴۱؛ اسملسر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳؛ دابلیر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ هالمن و مور<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴؛ هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از کالومی<sup>۵</sup>، ویلسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶، ۱۹۸۲).

رویکرد سوم براساس تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها<sup>۷</sup> نشان می‌دهد که تأثیر مذهب بر تمام حوزه‌ها یکسان نبوده و عرصه‌های خصوصی را بیش از عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در جامعه امروز مذهب هنوز هم منبع مهم برای نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها در قلمرو زندگی خانوادگی است؛ اما از اهمیت کمتری برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارها در حوزه عمومی به‌عنوان مثال سیاست، اقتصاد و کار برخوردار است (الیسون و شرکت<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳: ۳۱۳).

### ۳. پیشینه تجربی

الیسون و شرکت در مقاله خود نشان داده‌اند، نگرش‌ها و رفتارهای وابسته به زندگی خانوادگی مانند انتخاب شریک زناشویی، کیفیت زندگی زناشویی، حجم خانواده، زمان تشکیل خانواده، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی تحت تأثیر قوی اعتقادات مذهبی است (الیسون و شرکت، ۱۹۹۳: ۳۱۳). هربرگ<sup>۹</sup> (۱۹۹۵) و لنسکی<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۱) نیز نشان دادند که ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی و از جمله خانواده توسط ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند و مذهب در ابعاد مختلف زندگی روزمره زنان و مردان آمریکایی نفوذ فراوان دارد (هالمن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۶: ۳۱ به نقل از هربرگ، ۱۹۹۵؛ لنسکی، ۱۹۶۱).

جاگوزینسکی<sup>۱۲</sup> نشان داده، ارزش‌های مذهبی اهمیت کمتری در تبیین مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌گیری افراد نسبت به حوزه خصوصی خانواده دارد (جاگوزینسکی، ۱۹۹۶). مشابه

1. Munch
2. Smelser
3. Dobbelaere
4. Halman & Moor
5. Colomy
6. Wilson
7. Fragmentation value theory
8. Ellison & Sherkat
9. Herberg
10. Lenski
11. Halman
12. Jagodzinski

این نتایج در تحقیقات برگر<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) و لاکمن<sup>۲</sup> (۱۹۶۷)؛ بلا<sup>۳</sup> (۱۹۸۶)؛ فن<sup>۴</sup> (۱۹۷۲: ۳۱)؛ تامنی و جانسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۵: ۳۷۰)؛ دیویدسون و کادل<sup>۶</sup> (۱۹۹۴: ۱۴۲) دیده می‌شود. این مطالعات نشان می‌دهند، در حالی که نفوذ دین در امور مربوط به زندگی خانوادگی و رشد شخصی باقی مانده و در مسائل مربوط به روابط بین فردی، چهره‌به‌چهره، در ابراز احساسات و همدلی افراد خانواده، اظهار عشق و دوستی میان افراد و روابط همسایگی ارزش‌های دینی همچنان برقرار است عقب‌نشینی در حوزه‌های عمومی سیاست، کار، اقتصاد ایجاد شده و هالمن نشان می‌دهد علت این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان کشورهاست (هالمن، ۱۹۹۶: ۴۷-۳۰).

این‌گلهارت نیز نشان داده عوامل مؤثر بر ارزش‌های اجتماعی از الگوی بسیار منسجمی برخوردار بوده و این انسجام بازتابی از توسعه اقتصادی و میراث سنتی و دینی جوامع است و اگرچه توسعه اجتماعی اقتصادی تمایل به ایجاد تغییرات قابل پیش‌بینی در جهان‌بینی‌های مردم دارد سنت‌های فرهنگی مانند بافت دینی جوامع همچنان اثرات پایداری بر جهان‌بینی مردم بر جای خواهند گذاشت. در برخی جوامع دین و سایر جنبه‌های میراث فرهنگی سنتی جامعه رو به افول نبوده و همراه با ظهور نوسازی محو نخواهد شد. او اهمیت عوامل فرهنگی در دوران معاصر را چنین گوشزد می‌کند که حتی در جوامع پیشرفته صنعتی مذهب نه تنها در رفتار انتخاباتی به منزله یک عامل بانفوذ بر طبقه اجتماعی می‌چربد بلکه در واقع این‌طور به نظر می‌آید که رهبریش را می‌گستراند و درحالی‌که رأی دادن بر مبنای طبقه اجتماعی به‌طور مشخص در دهه‌های اخیر کاهش یافته، اختلافات مذهبی به طرز تعجب‌آور پایدار مانده‌اند (این‌گلهارت، ۱۳۷۳: ۱۵). او در تحلیل‌های تجربی خود نشان می‌دهد، تفاوت شدید و معناداری در همه ارزش‌های اجتماعی (شامل تایید برابری جنسی، همجنس‌گرایی، سقط جنین و طلاق) در میان مردمی که در جوامع غربی زندگی می‌کنند و آنان که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، وجود دارد. همه کشورهای غربی به سرکردگی سوئد، آلمان و نروژ به‌شدت از برابری زنان حمایت می‌کنند و همچنین نسبت به همجنس‌گرایی با تساهل برخورد می‌کنند، بسیاری از کشورها الگوی درهم آمیخته‌ای دارند و در میانه توزیع قرار می‌گیرند و

- 
1. Berger
  2. Luckman
  3. Bellah
  4. Fenn
  5. Tamney & Johnson
  6. Caddell

در مقابل فرهنگ‌های اسلامی شامل مصر، بنگلادش، اردن، ایران و آذربایجان همگی سنتی‌ترین نگرش‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. تغییرات در نسل‌های جوان به شکل وسیعی در حال گسترش است در حالی که نسل‌های پیشین در مقابل آن مقاومت نشان می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

در ایران نیز مطالعاتی در زمینه ارتباط دینداری با ارزش‌های خانوادگی انجام شده که در ادامه به برخی اشاره خواهیم کرد. آزادارمکی و مدیری در مقاله خود با عنوان تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی با مروری بر ادبیات تئوریک این حوزه با استفاده از داده‌های طرح ملی ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ایرانیان آورده‌اند: نکات مهم در زندگی ایرانیان به ترتیب ارزش‌های مربوط به خانواده، کار و سیاست است که در دهه اخیر ارزش‌های حوزه خانواده و کار تقریباً تغییری نداشته و بر اهمیت ارزش‌های سیاسی افزوده شده است. هم‌چنین رابطه میان دینداری و حوزه خانواده بیش از رابطه میان دینداری و حوزه سیاست و کار است که این یافته تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند (آزادارمکی و مدیری، ۱۳۹۰A). مرتضی زین‌آبادی در تحلیل ثانویه دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان داده ارتباط مثبت قوی میان نگرش‌های مذهبی با رفتارهای خانوادگی نظیر مشورت کردن، درد دل کردن، پرهیز از خشونت و اختلاف، پرهیز از تنبیه کودکان، پرهیز از دخالت در زندگی فرزندان و تمایل به زندگی مستقل فرزندان وجود دارد (زین‌آبادی، ۱۳۸۵).

پارسامهر در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی با استفاده از ابزار پرسشنامه بر ۳۸۵ نفر از دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند، نشان داده، بین دینداری والدین و خشونت فرزندان رابطه منفی معناداری وجود داشته و هر چه دینداری والدین بالاتر رفته، خشونت فرزندان کاهش یافته است. میزان این همبستگی در مورد رابطه دینداری پدر با خشونت فرزند معنادارتر بوده است. بنابراین تقویت باورهای دینی در والدین می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای انحرافی مانند خشونت ایفا کند (پارسامهر، ۱۳۹۰). عباس روحانی در مقاله خود با عنوان رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه به بررسی این رابطه پرداخته است. جامعه آماری تحقیق شامل تمام کادر آموزشی، کارکنان و دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بوده و نمونه پژوهش وی ۲۶۹ آزمودنی (۶۲ نفر عضو هیأت علم، ۲۸ نفر از کارکنان و ۱۷۹ دانشجوی متأهل) بوده که به شیوه طبقه‌ای تصادفی انتخاب

شده‌اند. ابزار پژوهش پرسشنامه شادکامی، پرسشنامه رضایت زناشویی و آزمون معبد ۲ بوده است. نتایج او نشان داده که بین دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد (روحانی، ۱۳۸۸). منصور سودانی نیز نشان داده که بین دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد (سودانی، ۱۳۸۸).

فرنگیس مجرد تاکستانی در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی رابطه دینداری با رضایت از روابط متقابل زوجین در مناطق ۱۸ و ۶ شهر تهران در سال ۱۳۸۹ با استفاده از پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت، پرسشنامه نظام باورها، پرسشنامه انریچ<sup>۱</sup> در سنجش میزان رضایت از روابط متقابل زوجین نشان داده دینداری بر رضایت از روابط متقابل زوجین تأثیر مستقیم دارد، جهت‌گیری دینی بیرونی بر رضایت از روابط متقابل زوجین تأثیر معکوس و جهت‌گیری دینی درونی بر رضایت از روابط متقابل زوجین تأثیر مستقیم دارد. عمل کردن به باورهای مذهبی بر رضایت از روابط متقابل زوجین تأثیر مستقیم دارد و دینداری ۲۹/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند (مجرد تاکستانی، ۱۳۸۹).

خدابخش احمدی در بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته تقیدات مذهبی و رضایت زناشویی انریچ نشان داده میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی که تقیدات مذهبی زیادی دارند به‌طور معناداری بیش از کسانی است که دارای تقیدات مذهبی کم هستند و بر این اساس میزان سازگاری زناشویی در بین افراد دارای تقیدات مذهبی خیلی زیاد، بیشترین حد و در بین افراد دارای تقیدات مذهبی کم کمترین میزان را داراست (احمدی، ۱۳۸۵).

رسول ربانی در مقاله خود با عنوان فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۲ به شیوه پیمایش و از طریق مصاحبه ساختمند در قالب یک پرسشنامه ۶۴ سؤالی در نمونه‌ای با حجم ۲۲۰ نفر از افراد بالای ۱۵ سال در شهر دهمدشت هدف کلی تحقیق خود را پی بردن به پیامدها و آثار تغییرات اجتماعی فرهنگی بر فاصله نسلی معرفی کرده و در کنار آن اهداف فرعی دیگری نظیر بررسی تطبیقی نسل جوان و بزرگترها در شاخص‌های دینداری و ارزش‌های اجتماعی مدنظر وی بوده است. چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظریه فرامادیگری اینگلههارت بوده و نتیجه گرفته: بین نسل جوان و بزرگترها از لحاظ میزان دینداری رابطه وجود دارد. بین اولویت‌های ارزشی نسل جوان و بزرگترها رابطه

وجود دارد اما در عین حال تفاوت‌هایی بین دو گروه در متغیرهای مورد سنجش نشان داده شده است (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۴).

چنانکه دیدیم تئوری‌های پابرجایی تأثیر دین بر زندگی اجتماعی و همچنین تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها نشان داده، دین تأثیر خود را بر حوزه خانواده حفظ کرده و مطالعات متعدد داخلی و خارجی نیز آن را تأیید کرده است. با توجه به اینکه در جامعه ما، دین‌مداری همواره از خصایص ایرانیان بوده و مطالعات پیشین نیز آن را تأیید کرده است، بنابراین بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی در این مقاله فرضیه‌های تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در هر سه نسل و همچنین وجود تفاوت در تأثیرگذاری دین بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن مفروض است.

#### ۴. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن: در این تحقیق ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن طبق تعریف اینگلهارت مدنظر است. در ارزش‌های خانوادگی سنتی "احترام، اطاعت، رد سقط‌جنین، داشتن فرزند و بزرگ کردن آن توسط زن از اولویت‌های اصلی زنان، محکوم کردن همجنس‌گرایی، طلاق و سقط‌جنین، اهمیت خانواده، مفتخر ساختن والدین به‌عنوان هدف اصلی، اطاعت بی‌چون و چرا از والدین، والدین باید بهترین چیزها را برای فرزندان انجام دهند حتی به ضرر خود، اهمیت هم‌نواپی اجتماعی بیش از فردگرایی" مطرح است که با صنعتی شدن جوامع با ارزش‌های خانوادگی مدرن که در آن "نقش خانواده هنوز مهم است ولیکن با پیدایش دولت رفاه تعدیل‌شده، تعویق فرزندآوری و تمایل به کمتر بودن تعداد فرزندان، استقلال زوجین، تربیت کودک بر اساس استقلال، اشتغال زنان، برابری جنسیتی، افزایش اعتماد" جایگزین می‌شود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

در تعریف عملیاتی هر یک از گویه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن با ۹ گویه سنجیده شده است. ارزش‌های خانوادگی سنتی با گویه‌های زن باید مطیع همسر خود باشد، برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است، در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت، در خانواده مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است، در خانواده بیش از همه باید به بزرگ‌ترها احترام گذاشت، درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و هر طور که او صلاح می‌داند مصرف شود، بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد، و معکوس گویه‌های در صورت توافق زن و شوهر سقط‌جنین باید آزاد باشد، دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی

کنند با آلفای ۰/۷۶۱؛ ارزش‌های خانوادگی مدرن با گویه‌های زن حق دارد درآمد خود را هر طور که می‌خواهد خرج کند، زن حق دارد در تعیین تعداد فرزندان خود تصمیم بگیرد، والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند، زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند، در تربیت فرزند باید به او استقلال و فکر کردن را آموخت، مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند، هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند، اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند، بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد با آلفای ۰/۶۹۴ سنجیده شده است.

متغیر مستقل نسل: نسل از جمله مفاهیمی است که می‌تواند در توضیح اختلافات فردی و گروهی نقش مهمی ایفا کند اما علمای علوم اجتماعی معانی متعددی از آن ارائه داده‌اند. کارل مانهایم به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز مفهوم نسل از برخورد تازه در اثر شکل‌گیری نیروی در گذر زمان به جوانی که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد یاد می‌کند با وجود این که او این حرکت‌ها و برخوردها را که به‌صورت موج نشان داده می‌شود با نسل معین می‌کند ولی افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آنها به‌عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱ به نقل از مانهایم<sup>۱</sup>، ۱۹۵۲). نسل به‌عنوان یک واقعیت به باز تشخیص تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، کسانی که احساس می‌کنند با معاصرانشان مرتبط هستند بستگی دارد چرا که به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند بنابراین یک نسل به‌عنوان یک واقعیت فقط شامل افرادی است که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱ به نقل از دیپستران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). مانهایم تغییرات سریع فرهنگی را علت این پدیده می‌داند که در پی آن تفسیرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی بر جا مانده از نسل‌های قبلی از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود. مانهایم در نظریه‌اش درباره تغییرات نسلی اظهار می‌دارد که هر چه سرعت تغییرات اجتماعی بیشتر باشد بیشتر احتمال دارد که گروه‌های جوانی که دارای فرهنگ مشترک و مدل‌های تعاملی مشترک که به‌طور واضح از مدل‌های ترویج شده به‌وسیله نسل پیرتر متفاوت است، هستند ظاهر شوند (وئوقی، ۱۳۸۹: ۱۰۸ به نقل از سیمینسکا، ۲۰۰۲).

در این تحقیق بنا بر تعریف نسلی مانهایم، افراد به سه نسل ۱۸ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۶۴ سال و ۶۵ سال و بالاتر تقسیم شده‌اند. نسل اول، نسل قبل از انقلاب کسانی هستند که دوران

1. Manheim  
2. Diepstraten

پهلوی و انقلاب را تجربه کرده‌اند، جنگ را تجربه کرده‌اند و حتی به‌عنوان نیروی فعال در جنگ شرکت داشته‌اند، هم جنگ و هم انقلاب را تجربه کرده‌اند و حتی به‌عنوان یک بازیگر فعال در آن شرکت کرده‌اند و در زمان انقلاب شرایط سنی برای شرکت در انواع کنش‌های سیاسی را داشته‌اند. همچنین از اوایل دوره میانسالی بعد از جنگ، دوران بازسازی و دوران اصلاحات را تجربه کرده‌اند. نسل دوم، نسل انقلاب کسانی هستند که تجربه دقیقی از دوران پهلوی ندارند، جنگ را تجربه کرده و حتی به‌عنوان نیروی فعال در جنگ شرکت داشته‌اند و تفاوت آنها با نسل اول نداشتن تجربه دوران پهلوی است. نسل سوم، نسل بعد از انقلاب کسانی هستند که در سنین کودکی جنگ را تجربه نموده یا بعد از جنگ متولد شده‌اند. این گروه بیشتر از طریق رسانه‌ها و دوره‌های آموزشی تجربه‌های دوران پهلوی، انقلاب و جنگ را حس کرده است (آزاد، ۱۳۸۶؛ فاضلی، ۱۳۹۱).

متغیر مستقل دینداری: از دید دورکیم دین عبارتست از دستگامی هم‌بسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و همه کسانی را که پیرو آن هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۱: ۹۷ به نقل از دورکیم، ۱۳۸۶) دینداری به بیانی کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۱ به نقل از هیمل فارب، ۱۹۷۷). در این پژوهش بر اساس سنجه گلاک و استارک<sup>۱</sup> و تحقیق سراج زاده، دینداری با چهار بعد اعتقادی (۶ گویه)، عواطف دینی یا تجربی (۶ گویه)، پیامدی (۶ گویه) و مناسکی (۶ گویه) تعریف عملیاتی شده است. دینداری در ابعاد چهارگانه با این سؤالات سنجیده شده است. بعد اعتقادی: من معتقدم شیطان واقعاً وجود دارد، اگر ما امر به معروف و نهی از منکر نکنیم فساد و فحشا همه‌جا پر می‌شود، در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود، قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت است، من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم، مطمئن هستم که واقعاً خدا وجود دارد. بعد تجربی: کسی که به خدا ایمان دارد خیلی از مرگ نمی‌ترسد، گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام، بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است، هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد، بعضی وقتها احساس ترس از خدا به من دست می‌دهد، گاهی احساس گناه می‌کنم و از خدا می‌خواهم تا برای جبران گناهانم به من کمک کند. بعد پیامدی: باید در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی خیلی سخت‌گیری کرد، ثقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است، رهبران سیاسی باید کاردان باشند و مذهبی بودن یا نبودشان چندان مهم نیست، به نظر می‌رسد بسیاری از

1. Stark & Glock

قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد، باید با قاطعیت با بدحجابی مبارزه کرد، زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به‌عنوان تماشاچی شرکت کنند. بعد مناسکی: در ایام ماه رمضان (اگر مریض یا مسافر نباشید) چگونه روزه می‌گیرید، تا چه حد قرآن می‌خوانید، نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد به‌جا می‌آورید، به چه میزان در نماز جمعه شرکت می‌کنید، تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، هر چند وقت یکبار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید (سراج‌زاده، ۱۳۸۶؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). آلفای کرونباخ متغیر دینداری ۰/۹۳۱ است.

#### ۴-۱. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر پیمایشی مقطعی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت است که در سال ۱۳۹۲ انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران می‌باشد که جمعیت آنها در سال ۱۳۸۵ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۶۲۴۸۶۸۸ نفر می‌باشد که در ۴۳۳۶ حوزه سکونت دارند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم نمونه در تحقیق حاضر بر اساس میزان خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است با احتساب تأثیر طرح<sup>۱</sup> (سرائی، ۱۳۸۴) برابر با ۱,۵ (با در نظر گرفتن بودجه، امکانات و زمان) حجم نمونه ۵۷۶ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی نمونه به ۶۰۰ نمونه افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای PPS<sup>۲</sup> بوده است. به‌منظور انتخاب مناطقی از شهر تهران که بتواند معرف خوبی برای مناطق مختلف با توجه به تفاوت‌های موجود بین آنها از اعتبار بالایی برخوردار باشد در ابتدا از آنجا که جمعیت کل شهر تهران ۷۸۷۲۲۸۰ نفر بود که در ۴۳۳۶ حوزه پراکنده‌اند، ما از میان این حوزه‌ها ۱۰۰ حوزه به شکل تصادفی انتخاب کردیم. از تقسیم جمعیت تهران بر این ۱۰۰ حوزه فاصله انتخاب ۷۸۰۳۹ به دست می‌آید. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شده (حوزه شماره ۷۸۶) سپس اولین نقطه در این حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد و با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین نمونه، نمونه‌های دیگر به دست می‌آید. پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های نمونه‌گیری و درب منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه نهایی که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تأیید شده بود، نمودند. سپس برای رسیدن به حجم

1. Design effect  
2. Probability proportional to size

نمونه‌ی نمایایی از جمعیت تهران، براساس حجم هر گروه سنی وزن‌دهی انجام شد و داده‌ها برای تجزیه تحلیل نهایی مهیا گردید. در این تحقیق از اعتبار صوری<sup>۱</sup> و اعتبار سازه<sup>۲</sup> استفاده کرده‌ایم. جهت کسب اعتبار صوری، پرسشنامه تهیه شده توسط اساتید گروه جامعه‌شناسی مورد مذاقه و بازبینی قرار گرفته و پس از آزمون اولیه و اعمال اصلاحات، پرسشنامه نهایی تهیه شد و جهت کسب اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده کرده‌ایم. پایایی گویه‌های پرسشنامه با آلفای کرونباخ سنجیده شده است.

#### ۴-۲. یافته‌های پژوهش

این نمونه شامل ۲۹۴ نفر مرد (۴۹٪) و ۳۰۶ نفر زن (۵۱٪)؛ ۲۰۷ نفر مجرد (۳۴/۵٪) و ۳۸۸ نفر متأهل (۶۴/۷٪) می‌باشد. میانگین، انحراف استاندارد و واریانس متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های متغیرهای پژوهش در سه نسل

ارزش‌های خانوادگی مدرن			ارزش‌های خانوادگی سنتی			دینداری			
نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
۲۷/۶۷	۲۶/۹۷	۲۴/۷۹	۲۱/۶۴	۲۳/۵۴	۲۷/۳۶	۵۸/۰۰	۶۴/۱۱	۶۸/۱۴	میانگین
۴/۸۰	۴/۴۳	۴/۹۸	۵/۷۵	۵/۵۹	۵/۴۰	۱۷/۵۳	۱۶/۵۹	۱۵/۸۹	انحراف استاندارد
۲۳/۱۱	۱۹/۷۰	۲۴/۸۴	۳۳/۱۱	۳۱/۲۲	۲۹/۱۷	۳۰۷/۳۸	۲۷۵/۲۲	۲۵۲/۷۲	واریانس

چنان‌که جدول فوق نشان می‌دهد میانگین دینداری، ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در هر سه نسل بالاتر از حد متوسط<sup>۳</sup> است. ارزش‌های خانوادگی سنتی در هر سه نسل با میانگینی نه چندان متفاوت مشاهده شده و روند کاهشی را نشان می‌دهد. همچنین ارزش‌های خانوادگی مدرن در هر سه نسل با روند افزایشی وجود دارد؛ به عبارت دیگر آمیزه‌ای از ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران به چشم می‌خورد. تداوم ارزش‌های خانوادگی سنتی و در عین حال تغییر در ارزش‌ها و پذیرش ارزش‌های خانوادگی مدرن و برابرطلبانه در شهر تهران وجود دارد. دینداری در هر سه نسل بالاتر از متوسط بوده و این

1. Face Validity
2. Construct Validity

۳. ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در دامنه ۰ تا ۳۶ و دینداری در دامنه ۰ تا ۹۶.

یافته دیندار بودن افراد را در جامعه ما نشان می‌دهد که به لحاظ نسلی روند کاهشی دارد. جدول ۲ توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی را در سه نسل نشان می‌دهد.

جدول ۲: توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی در سه نسل

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	متوسط	مخالف	کاملاً مخالف	جمع	
						درصد	فراوانی
زن باید مطیع همسر خود باشد.	۳۱	۳۱	۳۱	۴/۷	۲/۳	۱۰۰	۵۴
برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است.	۴۷/۵	۴۵	۷/۵			۱۰۰	۵۱
در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت.	۴۶/۳	۴۶/۴	۴/۹	۲/۴		۱۰۰	۵۲
در خانواده مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است.	۲۹/۳	۳۶/۵	۱۹/۵	۹/۷	۴/۹	۱۰۰	۵۲
در خانواده بیش از همه باید به بزرگترها احترام گذاشت.	۶۴/۳	۳۱	۲/۳	۲/۴		۱۰۰	۵۷
درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و هر طور که او صلاح می‌داند مصرف شود.	۲۸/۶	۲۳/۸	۲۸/۶	۱۹		۱۰۰	۵۴
بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد.	۲۸/۶	۲۳/۸	۳۸/۱	۷/۱	۲/۴	۱۰۰	۵۴
در صورت توافق زن و شوهر سقط جنین باید آزاد باشد (معکوس شده).	۳۶/۶	۲۶/۸	۹/۸	۱۴/۶	۱۲/۲	۱۰۰	۵۴
دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند (معکوس شده).	۶۸/۳	۲۲	۹/۷			۱۰۰	۵۲
	۷۴/۴	۱۷	۸/۶			۱۰۰	۵۳
زن باید مطیع همسر خود باشد.	۲۶/۵	۳۰/۸	۲۷/۷	۱۱/۶	۳/۴	۱۰۰	۲۷۶
برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است.	۴۱/۷	۴۵/۲	۹/۷	۲/۶	۰/۸	۱۰۰	۲۷۶
در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت.	۳۵/۳	۴۹/۳	۸/۱	۶/۲	۱/۱	۱۰۰	۲۷۵
در خانواده مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است.	۱۵/۹	۲۲/۶	۲۸	۲۳/۸	۹/۷	۱۰۰	۲۷۵
در خانواده بیش از همه باید به بزرگ‌ترها احترام گذاشت.	۵۱/۱	۳۷/۴	۷/۲	۳/۲	۱/۱	۱۰۰	۲۷۸
درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و هر طور که او صلاح می‌داند مصرف شود.	۸/۹	۱۴/۵	۳۲/۳	۲۹/۲	۱۵/۱	۱۰۰	۲۷۹
بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد.	۱۰/۶	۱۷/۱	۳۰/۱	۲۹/۳	۱۲/۹	۱۰۰	۲۷۸
در صورت توافق زن و شوهر سقط جنین باید آزاد باشد (معکوس شده).	۲۷/۲	۲۲/۳	۱۳/۹	۲۲/۷	۱۳/۹	۱۰۰	۲۷۱

۲۷۰	۱۰۰	۳/۲	۴/۴	۹/۲	۳۰/۲	۵۳	دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند (معکوس شده).	
۲۷۵	۱۰۰	۲۱/۶	۱۸/۵	۵۹/۹				
۲۶۵	۱۰۰	۶/۸	۱۴/۲	۳۰/۷	۲۳/۱	۲۵/۲	زن باید مطیع همسر خود باشد	نسل سوم
۲۶۳	۱۰۰	۱/۵	۳/۸	۱۹/۹	۳۵/۱	۳۹/۷	برای فرزندان اطاعت از والدین لازم است.	
۲۶۳	۱۰۰	۰/۹	۹/۳	۱۷/۸	۳۶/۲	۳۵/۸	در تربیت کودک باید به او اطاعت و فرمانبرداری را آموخت.	
۲۶۲	۱۰۰	۱۲/۲	۲۳/۸	۲۳/۳	۲۷/۲	۱۳/۵	در خانواده مرد تصمیم‌گیرنده اصلی است.	
۲۶۷	۱۰۰	۱/۸	۱/۲	۸/۱	۳۸/۳	۵۰/۶	در خانواده بیش از همه باید به بزرگ‌ترها احترام گذاشت.	
۲۶۷	۱۰۰	۱۹/۲	۳۱/۸	۲۹/۸	۱۳/۵	۵/۷	درآمد خانواده باید در اختیار مرد باشد و هر طور که او صلاح می‌داند مصرف شود.	
۲۶۷	۱۰۰	۲۶/۴	۳۱/۷	۲۳/۱	۱۱	۷/۸	بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد.	
۲۶۳	۱۰۰	۱۵/۷	۲۶/۸	۱۴/۳	۱۹	۲۴/۲	در صورت توافق زن و شوهر سقط جنین باید آزاد باشد (معکوس شده).	
۲۶۲	۱۰۰	۸/۳	۱۶/۹	۱۲/۹	۲۵/۲	۳۶/۷	دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند (معکوس شده).	
۲۶۴	۱۰۰	۲۸	۲۰	۵۲				

چنان‌که در جدول فوق می‌بینیم اگرچه ارزش‌های خانوادگی سنتی از نسل اول به سوم روند کاهشی داشته لیکن همچنان در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده است. این پذیرش به ویژه در اطاعت از والدین، احترام به بزرگ‌ترها و عدپذیرش روابط افراد قبل از ازدواج در سطح وسیعی گسترده است. جدول ۳ توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی مدرن را نشان می‌دهد که در آن برابری جنسیتی و آزادی فردی و در عین حال مهم بودن خانواده وجود دارد.

جدول ۳: توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های خانوادگی مدرن در سه نسل

جمع	کاملاً مخالف	مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها	
۵۴	۱۰۰	۴/۸	۹/۵	۳۳/۳	۲۶/۲	زن حق دارد درآمد خود را هر طور که می‌خواهد خرج کند.	نسل اول
۵۴	۱۰۰	۲/۴	۴/۸	۴۰/۵	۳۳/۳	۱۹	

۵۴	۱۰۰			۳۵/۷	۲۳/۸	۴۰/۵	والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند.	
۵۴	۱۰۰	۲/۴	۴/۸	۳۵/۷	۲۱/۴	۳۵/۷	زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند	
۵۴	۱۰۰		۲/۴	۲۱/۴	۳۳/۳	۴۲/۹	در تربیت فرزند باید به استقلال و فکر کردن را آموخت.	
۵۴	۱۰۰				۳۳/۳	۶۶/۷	اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند.	
۵۲	۱۰۰		۹/۸	۴۸/۸	۳۶/۶	۴/۹	مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند.	
۵۲	۱۰۰	۹/۴	۲/۴	۹/۸	۳۶/۶	۴۶/۳	هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند.	
۵۴	۱۰۰	۲۸/۶	۲۳/۸	۳۸/۱	۷/۱	۲/۴	بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد (معکوس شده)	
۵۴	۱۰۰	۱۱/۷		۲۹/۱	۵۹/۲			
۲۷۸	۱۰۰	۴/۸	۱۴	۲۵/۹	۲۹/۶	۲۵/۸	زن حق دارد درآمد خود را هر طور که می‌خواهد خرج کند.	نسل دوم
۲۷۷	۱۰۰	۴/۳	۱۱/۴	۲۲/۴	۳۳/۲	۲۸/۸	زن حق دارد در تعیین تعداد فرزندان خود تصمیم بگیرد.	
۲۷۹	۱۰۰	۰/۵	۳/۲	۲۳/۵	۴۲/۴	۳۰/۳	والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند.	
۲۷۵	۱۰۰	۳/۲	۴/۲	۱۲/۸	۳۲/۷	۴۷/۲	زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند.	
۲۷۷	۱۰۰	۰/۳	۰/۳	۴/۷	۳۳/۶	۶۱/۱	در تربیت فرزند باید به استقلال و فکر کردن را آموخت.	
۲۷۹	۱۰۰		۰/۵	۱/۳	۲۳/۳	۷۴/۸	اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند.	
۲۷۵	۱۰۰	۲/۴	۴/۳	۲۲/۷	۴۳/۳	۲۷/۳	مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند.	
۲۷۶	۱۰۰	۱/۹	۴/۲	۱۱/۷	۳۵/۸	۴۶/۴	هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند.	
۲۷۸	۱۰۰	۱۰/۶	۱۷/۱	۳۰/۱	۲۹/۳	۱۲/۹	بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد (معکوس شده).	
۲۷۷	۱۰۰	۹/۷		۱۷/۲	۷۳/۱			
۲۶۷	۱۰۰	۸/۵	۱۰/۹	۲۱/۶	۲۹/۷	۲۹/۳	زن حق دارد درآمد خود را هر طور که می‌خواهد خرج کند.	نسل سوم

۲۶۷	۱۰۰	۳/۳	۷/۶	۲۲/۸	۳۲/۶	۳۳/۷	زن حق دارد در تعیین تعداد فرزندان خود تصمیم بگیرد.
۲۶۷	۱۰۰	۲/۸	۳/۹	۲۲/۴	۳۸/۳	۳۲/۷	والدین باید استقلال فرزندان را به رسمیت بشناسند.
۲۶۶	۱۰۰	۴/۷	۵/۵	۹/۵	۲۱	۵۹/۴	زن و شوهر باید در کنار هم و جدای از والدین در خانه مستقل خود زندگی کنند.
۲۶۵	۱۰۰		۱/۵	۳/۷	۲۷/۹	۶۶/۹	در تربیت فرزند باید به استقلال و فکر کردن را آموخت.
۲۶۷	۱۰۰	۱/۲	۰/۹	۴/۶	۱۹/۹	۷۳/۴	اعضای خانواده باید با یکدیگر همبستگی و اتحاد زیادی داشته باشند.
۲۶۳	۱۰۰	۰/۹	۵/۶	۲۶/۹	۳۴/۶	۳۲	مردان هم مثل زنان باید در کارهای خانه مشارکت داشته باشند.
۲۶۳	۱۰۰	۱/۵	۳/۴	۱۰/۱	۳۴	۵۰/۹	هر کسی باید آزادانه همسر خود را مطابق دلخواه خود انتخاب کند.
۲۶۷	۱۰۰	۷/۸	۱۱	۲۳/۱	۳۱/۷	۲۶/۴	بچه‌داری وظیفه زن است نه مرد (معکوس شده)
۲۶۶	۱۰۰	۸	۱۶	۷۶			

چنان‌که در جدول فوق می‌بینیم ارزش‌های خانوادگی مدرن از نسل اول به سوم روند افزایشی داشته و در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده است. همچنین این جدول نشان می‌دهد افراد ضمن اعتقاد به همبستگی و اتحاد در خانواده، نگرش‌های برابرطلبانه جنسیتی، اعتقاد به استقلال زنان و فرزندان، مشارکت مردان در امور منزل را در سطح وسیعی پذیرفته‌اند. در جدول شماره ۴ می‌توان تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی را در سه نسل مشاهده کرد.

چنان‌که در این جدول می‌بینیم دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در هر سه نسل تأثیرگذار است و بنابراین می‌توان گفت تأثیر دینداری بر ارزش‌های سنتی خانواده همچنان پابرجاست. این جدول نشان می‌دهد با کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی تأثیر دینداری همچنان معنادار بوده است. جدول ۵ تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج مدل رگرسیون تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در سه نسل

ارزش‌های خانوادگی سنتی												
نسل سوم				نسل دوم				نسل اول				
مدل ۲		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۱		
Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	
۰/۰۰۰	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۹۴	۰/۰۰۰	۰/۵۴۳	۰/۰۰۳	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰	۰/۵۳۵	دینداری
۰/۰۰۰	-۰/۴۱۹			۰/۰۰۰	-۰/۲۹۴			۰/۱۷۷	-۰/۲۳۶			جنسیت
۰/۴۲۷	۰/۰۴۲			۰/۴۸۰	-۰/۰۳۸			۰/۱۰۸	-۰/۲۵۸			وضعیت تأهل
۰/۷۵۴	۰/۰۱۶			۰/۰۰۰	-۰/۲۴۶			۰/۳۵۳	۰/۱۵۴			تحصیلات
۰/۲۷۱	-۰/۰۶۰			۰/۳۶۷	۰/۰۵۱			۰/۱۱۲	-۰/۲۳۱			درآمد
۳۷/۱۳۱		۹۳/۶۳۷		۲۹/۱۴۳		۱۱۵/۹۳۰		۳/۹۲۶		۲۰/۷۶۳		F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۵		۰/۰۰۰		Sig
۰/۶۷۷		۰/۵۱۱		۰/۶۱۶		۰/۵۴۳		۰/۵۶۷		۰/۵۳۵		R
۰/۴۵۹		۰/۲۶۱		۰/۳۷۹		۰/۲۹۵		۰/۳۲۲		۰/۲۸۶		R Square
۰/۴۴۶		۰/۲۵۸		۰/۳۶۶		۰/۲۹۳		۰/۲۴۰		۰/۲۷۳		Adjusted R Square

جدول ۵: نتایج مدل رگرسیون تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در سه نسل

ارزش‌های خانوادگی مدرن												
نسل سوم				نسل دوم				نسل اول				
مدل ۲		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۱		
Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	
۰/۱۸۴	-۰/۰۸۴	۰/۲۳۰	-۰/۰۷۴	۰/۰۱۲	-۰/۱۶۱	۰/۰۰۱	-۰/۲۰۱	۰/۱۸۵	-۰/۲۰۳	۰/۰۰۵	-۰/۳۸۱	دینداری
۰/۰۰۰	۰/۴۶۱			۰/۰۰۵	۰/۱۹۰			۰/۱۷۰	۰/۲۴۵			جنسیت
۰/۹۰۹	۰/۰۰۷			۰/۱۳۱	۰/۱۰۰			۰/۴۹۱	۰/۱۱۱			وضعیت تاهل
۰/۰۲۱	۰/۱۴۰			۰/۰۵۳	۰/۱۳۵			۰/۶۲۴	۰/۰۸۲			تحصیلات
۰/۲۵۷	-۰/۰۷۳			۰/۳۳۰	-۰/۰۶۷			۰/۰۰۵	۰/۴۳۱			درآمد
۱۴/۴۴۸		۱/۴۵۰		۳/۶۵۰		۱۱/۷۰۳		۳/۴۴۲		۸/۷۶۳		F
۰/۰۰۰		۰/۲۳۰		۰/۰۰۳		۰/۰۰۱		۰/۰۱۱		۰/۰۰۵		Sig
۰/۴۹۸		۰/۰۷۴		۰/۲۶۷		۰/۲۰۱		۰/۵۴۲		۰/۳۸۱		R
۰/۲۴۸		۰/۰۰۵		۰/۰۷۱		۰/۰۴۱		۰/۲۹۴		۰/۱۴۵		R Square
۰/۲۳۱		۰/۰۰۲		۰/۰۵۲		۰/۰۳۷		۰/۲۰۹		۰/۱۲۸		Adjusted R Square

چنان‌که در جدول ۵ می‌بینیم دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن اثرگذاری کمتری دارد و این تأثیر از نسل اول به سوم روند کاهشی داشته است. به طوری که در نسل سوم این تأثیر معنادار نبوده و با کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی در نسل اول و سوم تأثیر معناداری مشاهده نشده است و دیدیم که تأثیر دینداری بر ارزش‌های سنتی بیش از ارزش‌های مدرن است. بنابراین مطابق با تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها می‌توان گفت همه حوزه‌های زندگی اجتماعی به یک میزان متأثر از دینداری نیستند. هر چه میزان دینداری بیشتر باشد، ارزش‌های خانوادگی سنتی بیشتر و ارزش‌های خانوادگی مدرن کمتر است. تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن ضعیف و بر ارزش‌های سنتی متوسط است. بنابراین فرضیه تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در هر سه نسل و بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در نسل دوم تأیید می‌شود. همچنین فرضیه تأثیر متفاوت دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن نیز تأیید می‌شود.

تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در نسل اول بیش از نسل دوم و سوم، در نسل دوم بیش از سوم و در نسل سوم تأثیر معناداری دیده نمی‌شود. به بیان دیگر تفاوتی در دینداری افرادی که به ارزش‌های مدرن خانوادگی گرایش دارند، وجود ندارد؛ بنابراین مطابق با فرضیه مطرح شده تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در سه نسل یکسان نیست و براساس تئوری تمایز در نسل سوم ارزش‌های مدرن تحت تأثیر دینداری قرار نداشته و به وسیله ارزش‌های حوزه خود تبیین می‌شود. قدرت تبیین دینداری در ارزش‌های خانوادگی سنتی بیش از ارزش‌های خانوادگی مدرن است. چنان‌که می‌بینیم دینداری ۲۵/۸ تا ۲۹/۳ درصد از ارزش‌های خانوادگی سنتی را در سه نسل تبیین می‌کند. در حالی که در ارزش‌های مدرن این تبیین از ۱۲/۸ در نسل اول به ۰/۲ درصد در نسل سوم کاهش یافته است. در نسل سوم دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن تأثیر معناداری ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که گفتیم در جامعه سنتی آزادی فردی و شکل‌گیری ارزش‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی محدود و با ارزش‌های دینی هدایت می‌شده است. در جامعه مدرن مردم در تصمیم‌گیری‌ها آزادند و در تجزیه و تحلیل‌ها برخی جامعه‌شناسان معتقدند دین بخش قابل توجهی از تأثیر سابق خود را در بیشتر بخش‌های زندگی اجتماعی از دست داده است. عنصر اساسی در تئوری‌های مدرنیزاسیون، تغییرات مداوم در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی است و براساس تئوری تمایز تغییرات در یک حوزه حداقل تا حدودی مستقل از تغییر در

دیگر حوزه‌های اجتماعی است. برخی نیز با استناد به تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها معتقدند کاهش مذهب بر حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی یکسان نبوده و بر حوزه عمومی بیش از حوزه خصوصی اثرگذار بوده است. مضاف بر این علیرغم این که برخی مدعی‌اند تغییرات در همه کشورها از الگوی واحدی تبعیت می‌کند، عمدتاً دیده شده که تغییرات در جوامع در حوزه‌های مختلف از نظر زمانی، جهت، شدت و ترتیب با هم متفاوت بوده و از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کنند و حتی در یک جامعه نیز در حوزه‌های مختلف این اثرات یکسان نیست. نتایج متفاوت منتج از تحقیقات، این سؤال اساسی را ایجاد می‌کند که در جامعه در حال تحول ما آیا ارزش‌های خانوادگی در نسل‌های مختلف متأثر از ارزش‌های دینی و دینداری است یا خیر و اگر هست آیا تأثیر دین بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن یکسان است؟ بر این اساس و با هدف بررسی نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن، پیمایشی کمی با ابزار پرسشنامه انجام شد.

نتایج این تحقیق نشان داد، ما از طرفی شاهد توان بالای تبیین دینداری در ارزش‌های خانوادگی سنتی هستیم که تأثیر میراث فرهنگی را بر تغییر ارزش‌ها تأیید می‌کند. از طرف دیگر کاهش نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های مدرن خانوادگی را مشاهده کردیم که نشان از وجود بارقه‌های تئوری تمایز در تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن است و از طرف دیگر نیز تفاوت چشم‌گیر تأثیر دینداری بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن را دیدیم که نشان از تأیید تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها در شهر تهران دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که یافته‌های تحقیق، عناصری از هر سه رویکرد مطرح شده در این مقاله را تأیید می‌کند.

رابطه مستقیم دینداری با ارزش‌های خانوادگی سنتی و رابطه معکوس و ضعیف‌تر آن با ارزش‌های مدرن خانوادگی از نتایج این تحقیق بود؛ بنابراین از طرفی شاهد توان بالای تبیین دینداری در ارزش‌های سنتی هستیم که نشان از قوت دینداری در تبیین نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی است. مشابه این یافته را در تحقیقات هالمن، ۱۹۹۶: ۳۱ به نقل از هربرگ؛ اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از لانسکی، ۱۹۶۱؛ هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از گرلیلی، ۱۹۸۵؛ استارک و ایناکن، زین‌آبادی (۱۳۸۵)؛ پارسامهر (۱۳۹۰)؛ روحانی (۱۳۸۸)؛ سودانی (۱۳۸۸)؛ مجرد تاکستانی (۱۳۸۹)؛ احمدی (۱۳۸۵) و ربانی (۱۳۸۴) دیدیم. مضاف بر آن تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در تحقیقات مختلف برگر (۱۹۶۹) و لاکمن (۱۹۶۷)؛ بلا (۱۹۸۶)؛ فن (۱۹۷۲: ۳۱)؛ تامنی و جانسون (۱۹۸۵: ۳۷۰)؛

دیویدسون و کادل (۱۹۹۴: ۱۴۲) دیدیم اگرچه تأثیر دینداری بر حوزه عمومی کاهش یافته اما همچنان خانواده و ارزش‌های خانوادگی را تحت تأثیر دارد. همچنین تأثیر متفاوت دینداری بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در نسل‌های مختلف نیز می‌تواند تأییدکننده این تئوری باشد.

از طرف دیگر شاهد کاهش تأثیر دینداری از نسل اول به نسل دوم و سوم در ارزش‌های خانوادگی مدرن هستیم و این کاهش تا حدی است که در نسل سوم رابطه معناداری میان دینداری و ارزش‌های خانوادگی مدرن دیده نمی‌شود؛ بنابراین تا حدی تئوری تمایز، در حوزه ارزش‌های مدرن خانوادگی تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نگرش‌های مدرن خانوادگی در شهر تهران در حال گسترش است و رابطه‌ای با دینداری افراد ندارد. مشابه این نتایج را در تحقیقات مانچ، ۱۹۹۰: ۴۴۱؛ اسملسر، ۱۹۷۳؛ هالمن، ۱۹۹۶ به نقل از کالومی، ۱۹۹۰؛ دابلیو، ۱۹۹۳؛ هالمن و مور، ۱۹۹۴ نیز دیدیم. این یافته نشان می‌دهد که تمایل نسل سوم به ارزش‌های برابرطلبانه در حوزه خانواده فارغ از التزام یا عدم التزام ایشان به دین است و دینداری عاملی اثرگذار در تمایز ارزش‌های برابرطلبانه خانوادگی به شمار نمی‌آید. به جهت اهمیت موضوع و نقش آن در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی تحقیقات کمی و کیفی در سطح گسترده‌تر، در حوزه گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و ارتباط آن با دینداری و به‌ویژه با گونه‌های مختلف دینداری پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی و عرب‌نیا، علیرضا (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *مجله خانواده‌پژوهی*، ۲(۵): ۶۷-۵۵.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
- آزادارمکی، تقی؛ مدیری، فاطمه و وکیلی، عارف (۱۳۸۹)، «خانواده ایرانی: فروپاشی یا تغییرات بنیادی با بررسی نقش آموزش عمومی همگانی در بهبود وضع موجود»، *خانواده و پژوهش*، ۷(۱): ۸۴-۶۳.
- آزادارمکی، تقی و شریفی‌ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *مجله خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸): ۴۶۲-۴۳۵.
- آزادارمکی، تقی و مدیری، فاطمه (۱۳۹۰A)، «تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی»، *مطالعات فرهنگی جوانان*، ۲(۳): ۲۴-۷.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷)، *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان*، مریم وتر، تهران: کویر.
- پارسامهر، مهربان و دیوبند، فائزه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی»، *مجله روانشناسی و دین*، ۴(۱): ۸۷-۷۱.
- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۱۸-۹۶.
- ربانی خوراسگانی، رسول و صفایی‌نژاد، فتحیان (۱۳۸۴)، «فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی شهر دهدشت در سال ۱۳۸۲»، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۵۱: ۴۰-۲۱.
- روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود (۱۳۸۸)، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، شماره ۳۵: ۲۰۶-۱۸۹.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۵)، *بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سراج‌زاده، سیدحسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶)، «مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ۸(۴): ۷۰-۳۷.
- سراج‌زاده، سیدحسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)، «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶(۶۳): ۱۰۵-۷۱.

- سرایبی، حسن (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: سمت.
- سودانی، منصور؛ محمدی، کبری و احیا کننده، منیژه (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، ارائه سخنرانی در چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۱): ۳۴-۶۶.
- فاضلی، محمد و کلانتری، میترا (۱۳۹۱)، «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها: مطالعه موردی در شهرسازی»، *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳(۱ و ۲): ۸۴-۱۰۸.
- مجرد تاکستانی، فرنگیس (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه دینداری با رضایت از روابط متقابل زوجین در مناطق (۶ و ۱۸) شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- موحد، مجید و عنایت، حلیمه (۱۳۸۵)، «اسلام و دموکراسی بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۲۶۴-۲۳۵.
- وثوقی، منصور و اکبری، حسین (۱۳۸۹)، «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها یک مطالعه تطبیقی، *مجله تحلیل اجتماعی*»، *نظم و نابرابری اجتماعی*، شماره ۵۹/۴: ۱۲۸-۹۳.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)، *شکاف بین نسل‌ها*، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Davidson, J. C. and Caddell, D. P. (1994). "Religion and the Meaning of Work", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 33: 135-147.
- Dobbelaere, K. (1993). "Church Involvement and Secularization: Making Sense of the European Case In: E. Barker, J.A. Beckford and K. Dobbelaere (eds.), 'Secularization, Rationalism and Sectarism', Oxford: Clarendon Press: 19-36.
- Fenn, R.K. (1972). "Toward a New Sociology of Religion", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 11: 16-32.
- Elliso, C. D. and Sherkat (1993). "Obedience and Autonomy: Religion and Parental Values Reconsidered", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32: 313-329.
- Halman, L. R. de Moor (1994). "Religion, Churches and Moral Values, In: P. Ester, L. Halman and R. de Moor (eds.), *The Individualizing Society. Value Change in Europe and North America*", *Tilburg: Tilburg University Press*: 37-65.
- Halman, L. T. Pettersson (1996). "Morality and Religion: A Weakened Relationship?", *Emprical Theology*, Vol. 9, No. 2: 30-47.
- Jagodzinski, W. (1996). "The Transformation of the Religious Cleavage in West European Party Systems", Paper presented at the 13th Nordic Conference in Sociology of Religion Religion and Politics, Lund, August 15-18.
- Munch, R. (1990). "Differentiation, Rationalization, Interpretation: the Emergence of Modern Society, in: J.F. Alexander, P. Colomby (eds.), *Differentiation Theory and Social Change*», New York: Columbia University Press: 441-464.
- Smelser, N. J. (1973). "Toward a Theory of Modernization, in: E. Etzioni-Halevy and A. Etzioni (eds.)", *Social Change. New York: Basic Books*: 268-284.
- Tamney, J. B. and Johnson, S.D. (1985). "Consequential Religiosity in Modern Society", *Review of Religious Research*, 26: 360-378.